

این اواخر برای مقایسه صلح و بهداشت از منظومه‌ای از استعاره‌ها بهره بسیار گرفتیم... پژوهش صلح و پژوهش بهداشت استعاره یکدیگرند و می‌توانند از یکدیگر چیزهای بسیاری بیاموزند. به همین سان، هم نظریه صلح و هم دانش پزشکی هر دو بر نقش آگاهی و بسیج در درمان عوارض ناخوشایند تأکید دارند.

یوهان گالتونگ^۱

مقدمه و تعاریف

مانند پزشکی، در زمینه صلح و امنیت نیز بهتر بودن پیشگیری از درمان، از بدیهیات است. پیشگیری جان و مال آدمی را در امان نگه می‌دارد و جلوی درد و رنج را می‌گیرد. از پایان جنگ سرد، اقدام پیشگیرانه به صورت یکی از اولویت‌های درجه یک سازمان ملل در آمده است. از همان آغاز، برای این سازمان نقشی پیشگیرانه در نظر گرفته شده بود. ماده ۱ منشور ملل متحد اعلام می‌داشت که یکی از اهداف ملل متحد «اتخاذ اقدامات جمعی مؤثر برای پیشگیری (تأکید از ما) و برطرف ساختن عوامل تهدیدکننده صلح» است. اما جنگ سرد، توانایی سازمان ملل را برای اتخاذ اینگونه اقدامات جمعی تقریباً به صفر رساند.

وقتی در نیمه دهه ۱۹۸۰ یخهای جنگ سرد شروع به آب شدن کرد دو نتیجه به بار آمد. نخست اینکه سرانجام این امکان برای دولت‌های عضو ملل متحد فراهم شد تا در زمینه صلح و امنیت به شکل دستجمعی وارد عمل شوند. دوم اینکه ضرورت اقدام پیشگیرانه برای آنها بی‌هیچ ابهامی آشکار شد. چه بسا جنگ سرد پایان می‌یافت اما جهان همچنان درگیر جنگ‌هایی که بنر آنها در دوران جنگ سرد پاشیده شده بود و تقریباً تمامی آنها در درون دولت‌ها جریان داشت باقی می‌ماند. این جنگ‌ها همان جنگ‌های نیابتی معروف بودند که در آنها هر یک از طرف‌های متخاصم از حمایت سیاسی و مادی یکی از بلوک‌های قدرت جنگ سرد برخوردار بود. با پایان یافتن جنگ سرد، شورای امنیت سازمان ملل این امکان را یافت تا برای پایان بخشیدن به بیشتر این جنگ‌ها اقدامات مؤثرتری اتخاذ نماید. اما هزینه این کار بالا بود. باید

عملیات صلح‌بانی گسترده‌ای در نامیبیا، آنگولا و موزامبیک، میان ایران و عراق، در افغانستان، کامبوج و آمریکای مرکزی انجام می‌شد. در همین زمان، فروپاشی کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی دور جدیدی از تعارضات راه‌راه انداخت که یکی از آنها زمینه‌ساز بزرگ‌ترین عملیات صلح‌بانی سازمان ملل در یوگسلاوی سابق شد.

در فاصله هشت ساله میان سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۹۳ هزینه سالیانه عملیات صلح‌بانی ملل متحد بدون احتساب هزینه‌های صلح‌بانی که مستقیماً به‌دوش خود کشورهایی بود که نیروهایی برای انجام این عملیات اعزام کرده بودند، بیش از ۱۲ برابر شد و از ۲۳۴ میلیون دلار به ۲۹۸۴ میلیون دلار افزایش یافت. بنابراین جای شگفتی نیست که دولت‌های عضو سازمان ملل جوایز راه‌های اقتصادی تری برای حفظ صلح و امنیت شدند. در ۵ دسامبر ۱۹۸۸ مجمع عمومی «اعلامیه درباره پیشگیری و رفع اختلافات و بحران‌هایی که می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید کند و نقش سازمان ملل در این زمینه» را تصویب کرد. به موجب این سند، مجمع عمومی اعلام کرد که دولت‌ها باید چنان اقدام کنند که در روابط بین‌المللی شان از پیدایش یا تشدید اختلافات یا بحران‌ها پیشگیری شود. این اعلامیه دبیر کل را تشویق می‌کرد تا برای برقراری تماس با دولت‌هایی که مستقیماً با اختلافی در ارتباط هستند تلاش کند و مانع از تبدیل شدن آن اختلاف به تهدیدی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی گردد؛ اگر دولتی که مستقیماً با اختلافی در ارتباط است با وی تماس گیرد سریعاً مساعی جمعیله خود را در اختیار نهد؛ از ظرفیت‌های کامل موجود برای حقیقت‌یابی استفاده کند؛ و در مراحل اولیه از حقی که طبق ماده ۹۹ منشور ملل متحد به او داده شده است (یعنی حق جلب توجه شورای امنیت به هر موضوعی که به نظر خودش می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد) بهره جوید. این تصمیم مجمع عمومی نمایانگر دور شدن محسوس از فرهنگ جنگ سرد بود که بر اساس آن، مشروعیت اینکار سیاسی دبیر کل چنانچه سریعاً منطبق با ماده ۹۹ نبود به چالش گرفته می‌شد.

نقش سازمان ملل و دبیر کل آن در دیپلماسی پیشگیرانه

نوشته پترس پترس هالی
ترجمه زهرا کسیمی

○ پیشگیری از بیماری
تعارض و برخورد حتی از
پیشگیری از بیماریهایی که
جان و تن انسانها را رنجور
می سازد دشوارتر است.

شیوه‌هایی که در دیپلماسی پیشگیرانه به کار می‌رود همان شیوه‌هایی است که در صلح‌سازی هم به کار می‌رود (صلح‌سازی در زبان سازمان ملل فعالیت دیپلماتیک است و به معنای اعاده صلح با ابزار قهر آمیز نیست). تنها تفاوت واقعی میان دیپلماسی پیشگیرانه و صلح‌سازی این است که اولی پیش از بروز برخورد مسلحانه به کار می‌رود در حالی که دومی پس از آن صورت می‌گیرد. اما در جهان امروز، بحران‌های شایع بسیاری وجود دارد که در آنها علل تعارض، ریشه‌های عمیقی دارد و تنش‌های مزمن هر از چند گاهی به صورت جنگ شدید و مرگبار سر باز می‌کند. نمونه‌های این پدیده، بحران‌هایی است که زاده تعارض هند و پاکستان بر سر کشمیر، اشغال بخش‌هایی از جنوب لبنان توسط اسرائیل، جنگ در جنوب سودان، بروز مشکلات مکرر در حوزه دریاچه بزرگ آفریقا (رواندا، بروندي و همسایه آنها کنگو) و به وضوح در سراسر یوگسلاوی سابق می‌باشد. در چنین مواردی تفکیک قائل شدن میان دیپلماسی پیشگیرانه و صلح‌سازی یا در واقع میان پیشگیری و صلح‌سازی پس از جنگ، تفکیکی تصنعی است. آنها که خواستار کمک برای کنترل و درمان چنین ناخوشی‌های مزمنی هستند باید به تلاش‌های شان در دوره‌ای طولانی مدت ادامه دهند و به تدریج که وضع بیماران بهتر یا بدتر می‌شود شیوه‌های درمان را تغییر دهند.

گاه از ما می‌خواهند نمونه موفقیت آمیزی از دیپلماسی پیشگیرانه ارائه دهیم. این کار همیشه آسان نیست. معمولاً در اینگونه تلاش‌ها اعتماد شرط اساسی است. ممکن است پیش از آنکه کسی بتواند با اطمینان مدعی حصول موفقیت شود لازم به گذشت زمان باشد. ممکن است صلح‌سازان بسیار گوناگونی دست‌اندر کار باشند و شاید گستاخانه به نظر رسد اگر یکی از آنها بخواهد موفقیت را به خود نسبت دهد.

موفقیت مسلّمی که تاریخ امروزه به ما اجازه می‌دهد تا به نام سازمان ملل ثبت کنیم مأموریتی در زمینه مساعی جمیله بود که رالف بانچ در خفای کامل از ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۰ به نمایندگی از دبیرکل او تانت برای حل ادعای ایران بر بحرین پیش از نائل شدن آن کشور به استقلال کامل انجام داد. او تانت

در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ در پایان نخستین نشست شورای امنیت در سطح سران دولتها، شورایبانیه‌ای صادر کرد که در آن از جمله از خود من خواسته شده بود تا درباره شیوه‌های تقویت و کارآمدتر کردن ظرفیت سازمان ملل متحد برای دیپلماسی پیشگیرانه، صلح‌سازی و صلح‌بانی تحلیلی تهیه و توصیه‌هایی ارائه کنم. در جریان تهیه گزارش نهایی که تحت عنوان دستور کاری برای صلح^۲ منتشر گردید خیلی زود بر من آشکار شد که در حقیقت، دیپلماسی پیشگیرانه عبارت چند منظوره‌ای است که در مورد دسته‌ای از اقدامات پیشگیرانه‌ای به کار می‌رود که دولت‌ها، گروهی از دولتها، یا سازمان‌های بین‌المللی برای کمک به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی میان دولت‌ها و در درون دولتها می‌توانند در پیش گیرند. از زمان انتشار این گزارش، سازمان ملل نه تنها در زمینه دیپلماسی پیشگیرانه به معنی دقیق کلمه، بلکه در عرصه صلح‌بانی پیشگیرانه، اقدام بشردوستانه پیشگیرانه، و صلح‌سازی پیشگیرانه تجربیاتی به دست آورده است. اجازه دهید این چهارگونه اصلی اقدام پیشگیرانه را تعریف کنم.

دیپلماسی پیشگیرانه یعنی استفاده از شیوه‌های دیپلماتیک برای پیشگیری از بروز اختلاف، پیشگیری از تشدید اختلافات تا سطح تعارضات مسلحانه در صورت بروز اختلاف، و چنانچه این مراحل شکست خورد پیشگیری از گسترش تعارضات مسلحانه. ماده ۳۳ منشور ملل متحد، طرفین هر اختلافی را که می‌تواند صلح و امنیت را به خطر اندازد ملزم می‌کند تا از طریق مذاکره، تحقیق، میانجیگری، سازش، داوری، حل و فصل قضایی، توسل به نهادها یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر شیوه‌های مسالمت آمیز بنا به انتخاب خود، راه‌حلی برای آن بیابند. به این شیوه‌ها می‌توان اقدامات اعتماد آفرین را هم اضافه کرد و این در مانی است که اگر بیماران یعنی طرف‌های دشمن، آن را بپذیرند می‌تواند نتایج خوبی به بار آورد. البته محور اندیشه دیپلماسی پیشگیرانه را این فرض تشکیل می‌دهد که متخاصمین به ابتکار خود، از این شیوه‌ها استفاده مؤثری به عمل نمی‌آورند و برای پیشگیری از بروز برخورد میان خود به کمک طرف ثالثی نیاز مندند.

در باره این مأموریت می گفت: «عملیات کامل مساعی جمعیله عملیاتی است که تازمانی که به نتیجه موفقیت آمیز نرسیده است یا حتی هیچ گاه چیزی درباره آن نمی شنویم.»

نمونه دیگری که موفقیتش را هنوز نمی توان پیش بینی کرد انتصاب خود من به سمت فرستاده ویژه در پایان سال ۱۹۹۴ در پاسخ به تقاضای دولت سیرالئون به منظور تسهیل گشایش باب مذاکرات میان آن دولت و جبهه متحد انقلابی (RUF) بود که نیروهای چندین سال با نیروهای حکومتی در حال نبرد بودند. در همین زمان، من حمایت سیاسی و آموزشی سازمان ملل را از فرایند انتخابات در سیرالئون وعده دادم. در هر دو جبهه انتخابات و دیپلماسی، سازمان ملل همکاری تنگاتنگی با سازمان های منطقه و دول عضو ذینفع داشته است. صلح بانی پیشگیرانه متضمن گسیل نیروهای نظامی و انتظامی بین المللی برای ایفای نقش های گوناگون ممکن همچون ممانعت از تجاوز، کمک به حفظ امنیت، ایجاد اعتماد، ایجاد شرایط مطلوب برای مذاکرات و / یا کمک به ارائه خدمات بشردوستانه است. مانند همه انواع صلح بانی، صلح بانی پیشگیرانه هم طیف گسترده ای از وظایف را در بر می گیرد ولی عنصر اساسی آن این است که در هر تفویض اختیاری بطور کاملاً دقیق مشخص شود که نیروی گسیل شده عملاً چه وظایفی انجام خواهد داد. یگانه عملیاتی از این دست که تاکنون از سوی سازمان ملل انجام شده در جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق بوده است که دستکم تا حدودی به حفظ این کشور در برابر عوارض مهلکی که باعث درد و رنج و ویرانیهای بسیار در دیگر نقاط یوگسلاوی شد کمک کرد.

اقدام پیشگیرانه بشردوستانه اقدامی است که گذشته از انگیزه بشردوستانه تسکین آلام کسانی که متحمل درد و رنج هستند هدفی سیاسی هم دارد: اصلاح موقعیت هایی که چنانچه به حال خود رها شوند خطر بروز برخورد را افزایش می دهند. ممکن است بدین منظور طیف گسترده ای از اقدامات مورد نیاز باشد. این تدابیر می تواند شامل برنامه ریزی برای اقدام بشردوستانه در صورت بروز بحران، نظیر ذخیره سازی کالاهای مورد نیاز در مکان های مشخص باشد. اما می تواند شامل اقدام

برای ایجاد شرایطی چون بهبود امنیت، احترام بیشتر به حقوق بشر، ایجاد اشتغال و نظایر آن هم باشد که کمک می کند تا آوارگان و اشخاص جابه جا شده به بازگشت به خانه های شان قانع شوند.

صلح سازی پیشگیرانه همان کاربرد اندیشه صلح سازی پس از بروز درگیری - که در دستور کاری برای صلح مطرح ساخته ام - در مورد موقعیت هایی است که بالقوه متضمن درگیری هستند. صلح سازی پیشگیرانه مانند صلح سازی پس از جنگ بویژه در تعارضات داخلی اثر بخش است و می تواند متضمن فعالیت های گوناگون در زمینه های نهادی، اقتصادی و اجتماعی باشد. این فعالیت ها به دلیل نقشی که در گسترش مردم سالاری، احترام به حقوق بشر و توسعه اقتصادی و اجتماعی دارند به خودی خود واجد ارزش ذاتی هستند. از این گذشته آنچه این اقدامات را در مقوله فعالیت های صلح سازی جای می دهد اهمیت سیاسی آنها در زمینه کاهش خطر به راه افتادن برخوردی تازه یا کاهش خطر از سرگیری يك برخورد قدیمی است.

يك نمونه از صلح سازی در بستر تعارض بالقوه دولتها با یکدیگر، پیشنهاد سال ۱۹۵۱ بانك بین المللی ترمیم و توسعه (که اکنون بانك جهانی خوانده می شود) برای انجام مساعی جمعیله به منظور کمک به حل اختلاف میان هند و پاکستان بر سر آب رودخانه سند از طریق تلقی آن به عنوان مسئله ای فنی و مهندسی و نه معضلی حقوقی و سیاسی بود. پیشنهاد بانك پذیرفته شد و پس از ۹ سال مذاکره معاهده رودخانه سند میان دو کشور منعقد گردید که مبنای بزرگترین طرح آبرسانی و تولید برق در زمان خودش قرار گرفت. این معاهده به موقع دو کشور یادشده را در انجام عملیات آبرسانی خود از هم مستقل گرداند و بدین ترتیب خطر برخورد بر سر این موضوع برطرف شد.

نقش دبیر کل در تشخیص و تجویز

درمان پیشگیرانه

هیچیک از این درمان های پیشگیرانه مانع از به کارگیری سایر درمانها نیست. در واقع ممکن است واکنش بین المللی کاملاً یکپارچه به يك تعارض قریب الوقوع متضمن تجویز همه این

○ دیپلماسی پیشگیرانه یعنی استفاده از شیوه های دیپلماتیک برای پیشگیری از بروز اختلاف، پیشگیری از تشدید اختلافات تا سطح تعارضات مسلحانه در صورت بروز اختلاف، و چنانچه این مراحل شکست خورد پیشگیری از گسترش تعارضات مسلحانه.

در مانها باشد. سازمان ملل نه حق انحصاری تجویز و اجرای این در مانها را دارد و نه چنین ادعایی کرده است. مؤثرترین راه پیشگیری می تواند از طریق همکاری گروهی در چارچوب سازمان ملل، انواع کارگزاریهای تخصصی آن، یک یا چند سازمان منطقه‌ای، دولت‌های عضو به تنهایی یا سازمانهای غیردولتی حاصل شود.

پنج شرط عام وجود دارد که تنها در صورت برآورده شدن آنها دبیر کل سازمان ملل می تواند در مان‌های پیشگیرانه را به شکل مؤثر به کار بندد. این شروط را در بندهای ذیل مورد بحث قرار می‌دهم و به همراه آن به نمونه‌هایی از اضطرابی‌ترین وضعیت‌هایی که در خلال دوران دبیر کلی خود من اقدام پیشگیرانه جامعه بین‌المللی را ایجاب کرده است بطور مشخص اشاره خواهم کرد. یکی از این موارد، بحران داخلی پروندی بود. شایسته است در این زمینه اظهارات وزیر حقوق بشر پروندی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را یادآور شوم که کشورش را چنین توصیف نمود: «بیماری که روی تخت جراحی است» و از جامعه بین‌المللی برای یافتن «درمان قطعی خود» استمداد می‌طلبد.

تحقق شرایط یادشده هنگامی دشوارتر می‌شود که تعارض بالقوه مانند اغلب نمونه‌های امروزی، تعارضی داخلی باشد. بیش از ۶۰ درصد تعارضات بالفعل یا بالقوه‌ای که در دهه ۱۹۹۰ سازمان ملل در آنها نقش صلح‌بانی یا صلح‌سازی فعالی ایفا کرده است به اختلافات داخلی بازمی‌گردد هر چند برخی از آنها بعد بین‌المللی مهمی هم داشته‌اند. همانطور که می‌دانیم بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد که سازمان ملل در موضوعاتی که در صلاحیت انحصاری دولتهاست یا موضوعاتی که مستلزم آن است که اعضایش آنها را بر اساس منشور حل و فصل نمایند دخالت نمی‌کند. اعلامیه ۵ دسامبر ۱۹۸۸ مجمع عمومی که بیشتر به آن اشاره کردیم مقرر می‌دارد که «دولتها باید چنان رفتار کنند که در روابط بین‌المللی شان (تأکید از ما) از بروز یا تشدید اختلافات یا بحرانا جلوگیری شود».

اما از پایان جنگ سرد به این سو، دولتهای عضو به شکل فزاینده‌ای حاضر به پذیرش یا حتی

بافشاری بر این مسئله بوده‌اند که به صرف داخلی بودن یک درگیری و جریان نداشتن آن در میان چند دولت نباید آن را از دایره خدمات سازمان ملل در زمینه صلح‌سازی و صلح‌بانی پیشگیرانه بیرون گذاشت. در عین حال، دولتهای عضو همچنان بر تخطی ناپذیر بودن حاکمیت خود و احترام اکید به بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد اصرار ورزیده‌اند. از آنجا که دولت بر خوردار از حاکمیت، سنگ بنای نظام بین‌المللی است و همچنان خواهد ماند حل این تعارض به شکل عام امکان ناپذیر است؛ دولتهای عضو همچنان از حق حاکمیت خود دفاع خواهند کرد. اما در عمل، در موقعیت‌های معینی که جامعه بین‌المللی در سطح گسترده یک تعارض داخلی را آن اندازه خطرناک یا چنان وحشیانه بداند که معتقد باشد برای کنترل و حل آن باید تلاشهای بین‌المللی صورت گیرد تناقض یاد شده بر مبنای عمل‌گرایانه بر طرف خواهد شد.

اما در نتیجه سازمان ملل نمی‌تواند بدون تقاضای مشخص یا دست کم رضایت دولت عضو یا دولتهای ذی‌مدخل دست به اقدام پیشگیرانه زند. از دید دبیر کل بهترین حالت آن است که از حکومت مورد نظر درخواستی دریافت کند. اما گاه در شرایطی که تهدید قریب‌الوقوع بودن تعارض آشکار باشد دبیر کل خود را بر اساس اختیار عامی که برای اقدام پیشگیرانه دارد ناچار از آن می‌بیند که به ابتکار خود یک دوره در مان پیشگیرانه را پیشنهاد کند. حتی هنگامی که چنین اندیشه‌ای بطور آزمایشی و محرمانه مطرح می‌شود می‌تواند به منزله ناچیز انگاشتن حاکمیت دولت مربوطه انگاشته شود و همین، دبیر کل را از اتخاذ اقدامات بعدی باز دارد.

دبیر کل همچنین باید حاضر باشد در مواردی که یک کشور، دیگر حکومتی توانمند برای اعمال حاکمیت مؤثر ندارد. همان پدیده معروف دولت در هم شکسته، نظیر سومالی. اقداماتی پیشگیرانه را پیشنهاد کند. در چنین مواردی ممکن است شورای امنیت بر اساس این اعتقاد که وضعیت جنگی همسایگان آن کشور را به شکل جدی تهدید می‌کند یا مصائب شدیدی را سبب می‌شود خود را موظف ببیند که بدون جلب رضایت حکومت مربوطه به ایجاد عملیات ملل متحد برای

○ محور اندیشه دیپلماسی پیشگیرانه را این فرض تشکیل می‌دهد که متخصصین به ابتکار خود از این شیوه‌ها استفاده مؤثری به عمل نمی‌آورند و برای پیشگیری از بروز برخورد میان خود به کمک طرف ثالثی نیاز مندند.

گاه اطلاعاتی که آنها ارائه می کنند باز تاب منافع ملی شان و نیز ترجیحاتی باشد که درباره اقدام سازمان ملل دارند. اما اگر اطلاعات مربوط به وضعیت واحدی را از چندین دولت عضو بگیریم دیگر ترسیم تصویر درست و دقیقی از آن دشوار نخواهد بود.

با همه اینها، سازمان ملل مانند بقیه جامعه بین المللی از قتل رئیس جمهور برون دی در سال ۱۹۹۳ و سقوط هواپیمای حامل رؤسای جمهور برون دی و رواندر کیجالی که شش ماه پس از حادثه نخست رخ داد و نیز از ترس و وحشتی که به دنبال این دو حادثه پدید آمد غافلگیر شد. همواره اقدامات سیاسی فوق العاده خشونت باری وجود دارد که دقیقاً قابل پیش بینی نیست. اما سازمان ملل هم باید نسبت به شرایطی که می تواند منجر به چنین اقداماتی شود حساس باشد و هم باید بتواند به برنامه ریزی احتمالی برای پاسخگویی کامل جامعه بین المللی در صورت وقوع چنین حوادثی کمک کند.

شرط دوم این است که دبیر کل باید برای تجویز درمان درست شرایطی که تشخیص داده است صلاحیت بالینی داشته باشد. برای بر آورده شدن این شرط دبیر کل باید هم بتواند عواملی را که موجب خطر برخورد بوده اند و هم تاثیر احتمالی انواع در مانهای پیشگیرانه موجود را بر این عوامل مورد ارزیابی قرار دهد. قضاوت در این دو مورد هنگامی که بحران میان دولتها بروز کرده باشد بمراتب آسان تر از یک بحران داخلی است. در حالت نخست، با مشورت با دولتهای ذیربط و همسایگان، دوستان و همپیمانان آنها می توان اطلاعات بسیاری به دست آورد اما در وضعیت دوم، بحران اغلب بر سر موضوعات قومی یا اقتصادی و اجتماعی است که ماهیتی کاملاً داخلی دارند و از نظر سیاسی بسیار حساسیت برانگیزند. وانگهی در این حالت، متخصصین بالقوه می توانند واحدهای غیر دولتی را هم که مشروعیت شان مورد تردید است و سلسله مراتب فرماندهی نامشخصی دارند در بر گیرند. در چنین شرایطی اگر دبیر کل در پی کسب اطلاعات مورد نیاز برای تعیین در مان صحیح باشد ممکن است به دلیل تجاوز به حاکمیت دولت مربوطه متهم به سوء رفتار شغلی شود.

مسئله دیگری که در این مرحله می تواند بالقوه

تحت کنترل در آوردن اوضاع مبادرت کند. اما باز هم لازم است سازمان ملل رضایت و همکاری دولتهایی را که عملاً کنترل اوضاع را در بخشهای گوناگون آن کشور تحت کنترل دارند جلب نماید. همانگونه که در سومالی، یوسنی و کوزوو آشکار شد فقدان چنین رضایت و همکاری حتی هنگامی که شورای امنیت به موجب فصل هفتم منشور ملل تصمیم گیری کرده باشد می تواند مانع از آن گردد که عملیات ملل متحد وظایفی را که شورای امنیت برایش مقرر داشته است به انجام رساند.

نخستین شرط از شروط پنجگانه اقدام پیشگیرانه این است که دبیر کل باید صلاحیت لازم را برای جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات داشته باشد. یکی از دلایل اصلی تصمیم خود من در سال ۱۹۹۲ برای متمرکز ساختن کل فعالیت های سیاسی دبیر خانه در بخش امور سیاسی ایجاد همین ظرفیت هشدار دهی پیش هنگام بود. این بخش با همکاری بخش امور بشر دوستانه که (هم اکنون اداره همکاری امور بشر دوستانه خوانده می شود) خود مستقلاً سیستم هشدار دهی پیش هنگامی برای شناسایی موقعیت های قریب الوقوع اضطرابی در زمینه های بشر دوستانه دارد و بخش عملیات صلح بانی، «چار چوب همکاری» را پی ریخت که اساساً مجموعه آیین هایی برای تضمین بررسی ادواری و منظم همه اطلاعات مربوط به وضعیت های بالقوه تهدید کننده و انجام بهنگام مشورت توسط این سه بخش با سایر عناصر نظام ملل متحد است که شاید اطلاعاتی برای ارائه داشته باشند و / یا بتوانند نقشی در یک اقدام پیشگیرانه معین ایفا کنند.

گاه گفته می شود که چون سازمان ملل فاقد یک نیروی اطلاعاتی خاص خود است در تلاش های صلح آمیزش دست بسته عمل می کند. من اعتقاد به این گفته ندارم. دبیر کل می تواند بیشتر اطلاعات را از رسانه ها و محققان دانشگاهی و سازمانهای غیر دولتی که اغلب دیدگاه های جالب توجه خود را برای تجزیه و تحلیل ارائه می دهند به دست آورد. از همه بالاتر، دولتهای عضو به درخواست من در دستور کاری برای صلح دایر بر اینکه باید آماده ارائه اطلاعات مورد نیاز برای دیپلماسی پیشگیرانه مؤثر باشند پاسخی سخاوتمندانه دادند. البته ممکن است

○ همواره اقدامات سیاسی فوق العاده خشونت باری وجود دارد که دقیقاً قابل پیش بینی نیست. اما سازمان ملل باید هم نسبت به شرایطی که می تواند منجر به چنین اقداماتی شود حساس باشد و هم باید بتواند به برنامه ریزی احتمالی برای پاسخگویی کامل جامعه بین المللی در صورت وقوع چنین حوادثی کمک کند.

برگزیده بود؛ و اقداماتی برای بهبود امنیت. برای بهبود امنیت، خود من پیشاپیش در برهه‌های مختلف به شورای امنیت چندین راه چاره ممکن را پیشنهاد کرده بودم. این راه چاره‌ها شامل ایجاد یک پایگاه بشر دوستانه تحت اداره نیروهای ملل متحد در فرودگاه بوجومبورا، حفظ حضور نظامی در یک کشور همسایه که بتواند در صورت وخیم شدن سریع وضعیت بروندی به سرعت وارد عمل شود، و استقرار بیگانی از پاسداران ملل متحد برای حفاظت از فعالیت‌های بشر دوستانه بود. اما این اندیشه‌ها نه خوشایند حکومت بروندی واقع شد که نیروهای مسلحش شدیداً با استقرار هر گونه سربازان بیگانه در کشور مخالف بودند و نه مطلوب اعضای شورای امنیت بود.

در نیمه دوم سال ۱۹۹۵ وضعیت بروندی خطرناک‌تر شد. هنگامی که در ژوئیه همان سال از این کشور دیدار کردم به هربران و اعضای پارلمان بروندی هشدار دادم که آنها نمی‌توانند روی حمایت‌های مستمر جامعه بین‌المللی حساب کنند مگر آنکه شواهد متقاعدکننده‌ای ارائه نمایند که نشان دهد حاضر به حل و فصل اختلاف‌های خود هستند. به عبارت دیگر، به آنها گفتم که اگر بیماران توصیه پزشکان خود را جدی نگیرند آنها به جای دیگری می‌روند. اما شرایط کشور بهبود نیافت و در دسامبر ۱۹۹۵ بار دیگر به شورای امنیت تأکید کردم که به اعتقاد من جامعه بین‌المللی باید آماده بروز چنان بحران انسانی شدیدی باشد که مداخله نیروهای خارجی را ایجاب خواهد کرد. بار دیگر نظریه اعزام پاسداران ملل متحد و / یا استقرار پیشگیرانه نیروهای خارجی در یک کشور همسایه را مطرح ساختم. این بار هم پیشنهاد من مورد قبول حکومت بروندی و شورای امنیت واقع نشد. در فوریه ۱۹۹۶ اصرار داشتم که دولت‌های عضو سازمان ملل باید دستکم بر نامه‌ای احتمالی تهیه کنند تا چنانچه بدترین حادثه رخ داد و مداخله بشر دوستانه الزامی شد نیروها بتوانند سریعاً در بروندی مستقر شوند. پاسخ شورای امنیت این بود که از من خواستند برای این مهم پیگیر مشورت‌هایم با دول عضو باشم. رسیدن به توافق بر سر پیشنهاد‌های گوناگون ممکن نبود. در نتیجه، جامعه بین‌المللی به چشم خود نسل‌کشی متقابلی را دید که به کشتار

برای دبیر کل مشکل ساز شود لزوم تعیین اولویت درمائی است. چه بسا تجزیه و تحلیل دبیر کل از علائم بیماری او را به این نتیجه برساند که سازمان ملل نمی‌تواند هیچ اقدام پیشگیرانه اثر بخشی انجام دهد. ممکن است این نتیجه گیری زاده آن باشد که دبیر کل برخلاف برداشت عمومی، تعارض را واقعاً قریب الوقوع نداند بلکه معتقد باشد که آنچه مشاهده می‌شود فرضی یا صحنه سازی است و نه مقدمه چینی جدی برای جنگ. یا ممکن است دبیر کل اعتقاد یابد که هیچ درمان مؤثری که طرفین پذیرای آن باشند یا حتی اصلاً هیچ درمان مؤثری وجود ندارد. چنین نتیجه گیری‌هایی همواره خوشایند دولت‌های عضو قرار نمی‌گیرد. آنها بدروستی خواستار آند که دبیر کل از هیچ کاری که برای پیشگیری از برخورد امکان پذیر باشد دریغ نوزد. اما واقعیت این است که همه - یا شاید حتی بسیاری از - تعارضات بالفعل یا بالقوه همواره به درمان‌های سازمان ملل جواب نمی‌دهند. حسن انتخاب و زمان بندی دقیق لازم است؛ بویژه زمانی که دولت‌های عضو برای تخصیص منابع به تلاش‌های صلح آمیز سازمان ملل خیلی بی‌میل باشند.

قتل عام‌های قومی اکتبر ۱۹۹۳ در بروندی که بیشتر بدان اشاره کردم مرادداشت تا نماینده ویژه‌ای به این کشور اعزام کنم و از او بخواهم تا درباره وضعیت کسب اطلاع کند، به جلوگیری از بدتر شدن اوضاع کمک نماید، برقراری آشتی ملی را تسهیل کند و به خود من برای اتخاذ اقدامات پیشگیرانه دیگری که سازمان می‌تواند انجام دهد توصیه نماید. نخستین توصیه نماینده یاد شده این بود که وضعیت چنان تهدید آمیز است که تلاش‌های ملل متحد باید بر تثبیت حال بیمار متمرکز، و عجلاناً در مان طولانی مدت اولویت دوم شناخته شود.

پس از اینکه تلاش‌های نماینده ویژه من و تلاش‌های دیگر صلح‌سازان به تثبیت نسبی حال بیمار بویژه با اعضای «میثاق حکومت» در سیتامبر ۱۹۹۴ توسط قریب به اتفاق احزاب سیاسی منجر شد نگاه ما متوجه در مان طولانی مدت گردید. چنین درمائی مستلزم اقدام در دو حوزه بود: ترویج گفت‌وگوی سیاسی و آشتی ملی که برای حصول آن برپا کردن «بحث ملی» در سراسر کشور راه چاره

○ توانایی دبیر کل برای اتخاذ اقدامات پیشگیرانه مؤثر بیش از همه بر خواست سیاسی طرف‌های اختلاف بالقوه استوار است. در سیاست بین‌الملل هم مانند عالم پزشکی، در مانگر نمی‌تواند درمائی را که بیمار آمادگی پذیرش آن را ندارد به وی تحمیل کند.

۲۰۰ هزار هو تویی گریخته از اردوگاه‌های آوارگان منجر شد.

سومین شرط اقدام پیشگیرانه این است که طرفین تعارض بالقوه (بیماران) باید اقدام پیشنهادی دبیر کل را بپذیرند. این شرطی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشید زیرا دبیر کل قدرت تحمیل هیچ گونه راه‌چاره‌ای را به آنها ندارد و تنها با رضایت آنها می‌تواند وارد عمل شود. در هر صورت، درمان پیشنهادی دبیر کل اثری نخواهد داشت مگر آنکه بیماران به آن اعتماد داشته باشند. متأسفانه معمولاً بر آورده شدن این شرط دشوارتر از همه است. مسلماً در هر تعارض بالقوه دستکم دو بیمار وجود دارد که معمولاً یکی از آنها بیش از دیگری موافق مداخله جامعه بین‌المللی است. در واقع، همین واقعیت که طرف الف موافق مداخله جامعه بین‌المللی است از نظر طرف ب دلیل کافی برای مخالفت با آن فراهم می‌سازد. گاه موافقت نامه‌های اولیه‌ای وجود دارد که حکومتهای ذیربط را متعهد می‌سازد تا اولویت را به شیوه‌های دوجانبه دهند؛ برای مثال، موافقت نامه ژوئیه ۱۹۷۲ سیملا که به موجب آن هند و پاکستان پذیرفته بودند «اختلافات شان را به شکل مسالمت آمیز و از طریق مذاکرات دوجانبه یا هر راه مسالمت آمیز دیگری که مورد توافق دو طرف باشد حل و فصل نمایند». در سایر شرایط ممکن است کشورهای قدرتمند منطقه مورد نظر با مداخله سازمان ملل مخالفت ورزند و اصرار داشته باشند که طرفین به میانجیگری‌های منطقه‌ای توسل جویند.

در تعارضات داخلی، حاکمیت عامل دیگری است که بر پیچیدگی اوضاع می‌افزاید. حکومتی که در برابر خود مخالفانی را می‌بیند که تهدید به توسل به زور می‌کنند به شکل قابل فهمی تمایلی نخواهد داشت که یک سازمان بین‌المللی مدعی بیطرفی که به شکلی آشکار رفتار یکسانی با حکومت و مخالفان آن دارد یا به میان گذارد. دبیر کل اگر می‌خواهد موفق به متقاعد ساختن هر دو بیمار به مشورت بایزشک و پذیرش درمان تجویز شده گردد باید با ظرافت و نکته‌سنجی تمام در چنین شرایطی وارد عمل شود. بازگردیم به ماجرای پروندی. طرفین دیدگاه‌های بسیار متفاوتی در خصوص مطلوب بودن مداخله سازمان ملل - یا هر مداخله خارجی دیگری -

داشتند. حزب سیاسی اصلی که نماینده اکثریت هو تو بود با پیشنهاد من درباره برنامهریزی برای مداخله بشر دوستانه محتمل موافق بود اما حزب اصلی نماینده اقلیت توتسی مانند نیروهای مسلح پروندی که عمدتاً از توتسی‌ها تشکیل یافته بود واکنشی بسیار منفی از خود نشان داد.

چهارمین شرط اقدام پیشگیرانه این است که دبیر کل پس از تجویز درمان پیشگیرانه و متقاعد ساختن بیماران به پذیرش آن باید سایر دولت‌های عضو سازمان ملل بویژه اعضای شورای امنیت را هم متقاعد سازد تا پیوسته‌وی را مورد حمایت سیاسی خود قرار دهند. اگر آنها حاضر نباشند تلاش هماهنگ کل جامعه بین‌المللی نفوذ خود را اعمال کنند بعید است تلاشهای دبیر کل به نتایج مطلوبی به بار آورد. بیش از این، واکنشهای شورای امنیت به پیشنهادها گوناگون خودم را برای اقدام پیشگیرانه در پروندی تشریح کردم.

همچنین دبیر کل به عنوان پنجمین و آخرین شرط موفقیتش باید دول عضو را متقاعد سازد تا منابع لازم برای تأمین مالی اقدام پیشگیرانه مورد توافق را فراهم نمایند. اختیاراتی که به ترتیب به موجب ماده ۹۹ منشور ملل متحد، بر اساس بیانیه ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ شورای امنیت، و با قطعنامه‌ها و بیانیه‌های تصویب شده در مجمع عمومی و شورای امنیت در پاسخ به دستور کاری برای صلح به دبیر کل داده شدوی را از آزادی عمل قابل ملاحظه‌ای برای تشخیص و درمان برخوردار می‌سازد. این حقیقت از شرحی پیداست که پیش از این درباره ابتکارات خودم در پروندی دادم. اما دبیر کل هیچگونه قدرتی برای تخصیص منابع مالی بدون تجویز مجمع عمومی ندارد و باید نخست مجمع را از مشروعت و امکان‌پذیری، و احتمال اثر بخشی درمان تجویز شده مطمئن سازد. چنانچه درمان تجویز شده مستلزم استقرار نیروهای نظامی هم باشد به چیزی بیش از مجوز مالی نیاز خواهد بود. باید هم شورای امنیت مجوز سیاسی این کار را صادر کند و هم دول عضو حاضر باشند نیروها و تجهیزات مورد نیاز را خواه در چارچوب شرکت در عملیات صلح‌بانی ملل متحد یا به صورت نیروهای چند ملیتی تحت فرماندهی ملی که اجازه شورای امنیت را دریافت کرده‌اند در اختیار قرار دهند.

○ صلح‌بانی پیشگیرانه متضمن گسیل نیروهای نظامی و انتظامی بین‌المللی برای ایفای نقش‌های گوناگون ممکن همچون ممانعت از تجاوز، کمک به حفظ امنیت، ایجاد اعتماد، ایجاد شرایط مطلوب برای مذاکرات و / یا کمک به ارائه خدمات بشر دوستانه است.

اجرامی گذارد که به عنوان نماینده ویژه یا سفیر ویژه دبیر کل منصوب می‌گردد و در کشور یا منطقه مورد نظر اقامت می‌گزیند یا بطور منظم از آنجا دیدار می‌کند. صرف تعیین نماینده یا سفیر ویژه می‌تواند اثرات سیاسی داشته باشد. این اقدام، دولت‌های عضو ملل متحد را نسبت به وجود یک تعارض احتمالی تازه هشدار می‌سازد و به متخصصان بالقوه دو خصوص نگرانی جامعه بین‌المللی هشدار می‌دهد. اقدامات آشکار دیگری هم برای دبیر کل میسر است که می‌تواند نتایج مشابهی در بر داشته باشد؛ اعزام یک هیئت حقیقت‌یاب با حسن نیت، پیشنهاد علنی مساعی جمیله، آگاه‌سازی رسانه‌ها، ارائه گزارش به مجمع عمومی یا شورای امنیت، یا تذکر رسمی به شورای امنیت در چارچوب ماده ۹۹ منشور ملل متحد.

گاه اینگونه ابراز نگرانی علنی دبیر کل می‌تواند اثر درمانی مفیدی داشته باشد. اما او اغلب بویژه در مواردی که تعارض ممکن الوقوع، تعارضی داخلی باشد ترجیح می‌دهد که بی‌سرو صدا مساعی جمیله خود را به انجام رساند. کاملاً جدای از حساسیت‌هایی که درباره نقض حاکمیت وجود دارد امتیاز دادن برای طرفین تعارض هنگامی که مردم ندانند آنها از سوی دبیر کل سازمان ملل که نمی‌تواند در عوض چیز چندانی یا اصلاً هیچ چیز را تضمین کند ترغیب به این کار شده‌اند آسان‌تر خواهد بود. همانطور که قبلاً گفتیم دیپلماسی پیشگیرانه معمولاً پشت درهای بسته بهترین نتیجه را می‌دهد اما این روش می‌تواند برای دبیر کل مشکل‌ساز باشد بویژه اگر جهان به سازمان ملل فشار بیاورد که کاری انجام دهد. اما دبیر کل می‌داند که فاش کردن آنچه عملاً در حال انجامش است بخت او را برای دستیابی به موفقیت کاهش می‌دهد و ضمناً این اقدام معادل دیپلماتیک نقض سوگند بقراط در مورد عدم افشای اسرار بیماران توسط پزشکان است.

در جایی که صلح‌بانی پیشگیرانه در قالب عملیات ملل متحد انجام شود نقش دبیر کل و وضوح بیشتری پیدامی‌کند و انحصاری‌تر می‌شود. در این حالت، دبیر کل است که عملیات را طراحی می‌کند، مجوز شورای امنیت را برای ایجاد عملیات ملل متحد به دست می‌آورد، نیروها و تجهیزات مورد نیاز را از دولت‌های عضو می‌گیرد، گسیل، فرماندهی و

بطور خلاصه، حقیقت بر جسته‌ای که از این تجزیه و تحلیل به دست می‌آید این است که توانایی دبیر کل برای اتخاذ اقدامات پیشگیرانه مؤثر بیش از همه بر خواست سیاسی طرفین اختلاف بالقوه استوار است. در سیاست بین‌الملل هم مانند عالم پزشکی، درمانگر نمی‌تواند درمائی را که بیمار آمادگی پذیرش آن را ندارد به‌ویژه تحمیل کند. صلاحیت و توانایی دبیر کل برای تشخیص و درمان خیلی بهتر شده است. در هر حال، امتناع از اتخاذ اقدام پیشگیرانه مؤثر تنها به ندرت ناشی از فقدان هشدار اولیه است؛ معمولاً نشانه‌های ناخوشی بیش چشم‌هسته‌ماست. آنچه امروزه اغلب جایز خالی است تمایل طرفین به پذیرش کمک طرف ثالث برای حل اختلافاتشان است. باید برای متقاعد ساختن آنها راه‌چاره‌ای یافت که به حاکمیت یا دیگر حقوق‌شان لطمه‌ای نزند؛ یعنی باید راه‌هایی یافت که طرفین متقاعد شوند پذیرش کمک سازمان ملل و دیگر بازیگران بین‌المللی به نفع خودشان است و بهتر است نگذارند اختلافاتشان به یک برخورد مسلحانه تبدیل شود. همچنین باید دولت‌های عضو سازمان ملل را متقاعد ساخت که هزینه‌های ارائه این کمک را بپردازند.

نقش دبیر کل در به کارگیری

درمان پیشگیرانه

همین که جریان درمان تعیین شد و مورد قبول همه طرف‌های ذیربط قرار گرفت باید درباره کیفیت اجرای درمان تصمیم‌گیری کرد. هیچ‌الگوی ثابتی وجود ندارد. باید برای هر مورد شیوه درمان جداگانه‌ای یافت. نقش دبیر کل می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد. او می‌تواند کارش را شخصاً یا از طریق دبیرخانه‌اش انجام دهد. می‌تواند بیماران را به متخصصان چون کارگزارهای تخصصی نظام ملل متحد، سازمان‌های منطقه‌ای، دولت‌های عضو به صورت انفرادی یا سازمان‌های غیردولتی ارجاع دهد و یا آنها برای اجرای درمان همکاری نماید. دبیر کل می‌تواند کار سایرین را هماهنگ کند یا اینکه صرفاً از آنها حمایت اخلاقی و سیاسی به عمل آورد.

دبیر کل اغلب نقش خود را از طریق یک مقام ارشد ملل متحد یا شخصیتی خارج از سازمان ملل به

○ بیش از ۶۰ درصد تعارضات بالفعل یا بالقوه‌ای که در دهه ۱۹۹۰ سازمان ملل در آنها نقش صلح‌بانی یا صلح‌سازی فعالی ایفا کرده است به اختلافات داخلی باز می‌گردد هر چند برخی از آنها بعد بین‌المللی مهمی هم داشته‌اند.

هدایت عملیات را بر عهده می‌گیرد، و به شورای امنیت در این باره گزارش می‌دهد. اما حتی در این وضع هم دبیر کل می‌تواند خود را زیر فشار قابل ملاحظه کشورهای احساس کند که به طور مستقیم و غیر مستقیم درگیر تعارض هستند.

با وجود این، نباید پنداشت که اقدامات صلح‌بانی پیشگیرانه همواره در قالب عملیات سازمان ملل صورت می‌گیرد. در قضیه بروندی اعتقاد شخص من این بود که استقرار نیروهای پاسدار صلح از نظر نظامی چنان فوریت دارد که صرفاً دولتهای عضو سازمان ملل که توانایی پاسخگویی سریع به یک بحران را در میدان نظامی دور دست دارند می‌توانند نیروهای لازم را در اختیار گذارند و بنابراین این علاج درست بحران، استقرار یک نیروی چند ملیتی است که مجوز شورای امنیت را در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد گرفته باشد. در چنین مواردی نقش دبیر کل احتمالاً نازلتر از حالتی است که عملیات تحت فرماندهی ملل متحد صورت می‌گیرد.

در مورد اقدام پیشگیرانه بشر دوستانه، یک جنبه از نقش دبیر کل ایجاد ترتیبات شایسته برای هماهنگ‌سازی فعالیت‌های امدادی است. جنبه دیگر آن، اتخاذ یا حمایت از اقدام سیاسی لازم برای ترغیب حکومت‌های ذیربط به ایجاد شرایطی است که اجازه حل و فصل بحران بشر دوستانه را بدهد. همانطور که پیش از این گفتیم این شرایط می‌تواند شامل طیف گسترده‌ای از تدابیر در زمینه‌های امنیت، برقراری نظم و قانون، حقوق بشر، نهادسازی، بازسازی، احیای فعالیت اقتصادی و برنامه‌های اجتماعی باشد و بنابراین چه بسا لازم باشد دبیر کل در این زمینه هم نقش هماهنگ کننده را داشته باشد.

صلح‌سازی شاید نوعی از درمان پیشگیرانه باشد که در آن نقش دبیر کل کمتر از همه معین و مشخص است. در دیپلماسی پیشگیرانه و اقدام بشر دوستانه، دبیر کل مجوز لازم را برای اجرای درمانی که مورد توافق طرفین باشد دارد. برای صلح‌بانی پیشگیرانه دبیر کل باید مجوز شورای امنیت را کسب کند اما برای این کار آیین‌های جاافتاده‌ای در اختیار دارد. همچنین آیین‌های جاافتاده‌ای وجود دارد که بر اساس آنها به مجرد

کسب مجوز شورای امنیت، عملیات می‌تواند صورت پذیرد.

اما صلح‌سازی پیچیده‌تر است و می‌تواند مستلزم طیف گسترده و گوناگونی از اقداماتی باشد که همه آنها تحت مسئولیت اجرایی مستقیم دبیر کل قرار نداشته باشد. نقش دبیر کل در این زمینه اساساً همان نقش یک پزشک عمومی است. او می‌تواند ناخوشی بیمار آن را تشخیص دهد و به آنها توصیه کند که برخی تدابیر کلی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند به کاهش خطر تعارض کمک کند. چنین درمان‌هایی می‌تواند شامل اقدامات اعتماد آفرین، احترام بیشتر به حقوق بشر، اجرای عادلانه تر قانون، تقویت نهادهای مردم‌سالار، بهبود خدمات اجتماعی، برطرف ساختن بی‌عدالتی‌های فاحش اقتصادی، تقسیم عادلانه تر منابع طبیعی، و نظایر آنها باشد. اما برای تجویز نسخه‌ای مشروح و کمک به اجرای درمان، پزشک عمومی باید بیمار آن را به متخصصان گوناگونی در داخل و خارج از نظام ملل متحد از جمله متخصصان غیر دولتی ارجاع دهد.

بدین ترتیب در اجرای صلح‌سازی پیشگیرانه سه نقش به عهده دبیر کل گذاشته می‌شود که همگی پیچیده و دشوارند. نقش نخست، قانع ساختن پزشکان متخصص به اجرای درمانی است که خودش تجویز کرده است و بیمار آن هم پذیرفته‌اند. مسلماً بهترین راه انجام این مهم، همراه ساختن متخصصان با خود در معاینات و مشاوره‌های اولیه و شریک ساختن آنها در فرایند دیپلماتیکی است که از طریق آن، طرفین مطلوب بودن اقدام پیشگیرانه و ماهیتی را که باید داشته باشند می‌پذیرند.

دومین نقش دبیر کل، هماهنگ‌سازی اجرای کلیه اقدامات صلح‌سازی مورد توافق است. در برخی موارد این نقش می‌تواند از طریق ترتیبات جاافتاده‌ای صورت گیرد که برای هماهنگ‌سازی فعالیت‌های عملیاتی نظام ملل متحد جهت تحویل از طریق یک هماهنگ کننده مستقر تمهید شده است. اما معمولاً بویژه اگر درمان کلی شامل عناصر دیپلماتیک، صلح‌بانی و / یا بشر دوستانه هم باشد هماهنگی گسترده‌تری مورد نیاز خواهد بود. در این صورت روش معمول این است که دبیر کل یک نماینده ویژه مقیم تعیین می‌کند که نه تنها باید از مهارت‌های دیپلماتیک برخوردار باشد بلکه باید در

○ گاه در شرایطی که تهدید قریب الوقوع بودن تعارض، آشکار باشد دبیر کل بر اساس اختیار عامی که برای اقدام پیشگیرانه دارد خود را ناچار از آن می‌بیند که به ابتکار خود و بدون تقاضای رضایت دولت یا دولتهای ذیمدخل، یک دوره در مان پیشگیرانه را پیشنهاد کند.

ناشی از آن نیست که تشخیص علائم هشدار دهنده در مورد خطر بروز تعارض دشوارتر از تشخیص ناخوشی های تن و جان انسان است. برعکس، علائم هشدار دهنده تعارضات معمولاً آشکارتر از نشانه های بیماری است. همچنین در مان های موجود در عرصه صلح و امنیت کم اثرتر از درمان های پزشکی نیست. در گذر سالها در مان های مؤثر بسیاری تمهید شده است. دارو خانه سازمان ملل انباشته از داروهای شفا بخش است و مشاوران و متخصصان مجرب بسیاری در دسترس هستند.

اشکال کار به بیماران و دوستان و دشمنان آنها برمی گردد. ممکن است وجود انسانها درباره بیماری آکنده از ترس های غیر منطقی و خرافات باشد ولی معمولاً می توان انتظار داشت که آنها به شکل نسبتاً منطقی به تشخیص و تجویزات پزشکان خود واکنش نشان دهند. متأسفانه درباره حکومت ها و سایر طرف های تعارضات سیاسی نمی توان چنین چیزی گفت. توصیه های سازمان ملل برای جلوگیری از بروز تعارضات قریب الوقوع پیوسته مورد بی توجهی طرف هایی قرار گرفته که سازمان برایشان نسخه پیچیده است و اگر بیماران نیز توصیه های پزشکان خود را نادیده می گرفتند بسیاری از این پزشکان مدتها پیش با نومیسیدی به فکر بازنشسته کردن خود می افتادند. اما همانطور که يك پزشك با وجدان نمی تواند يك ناخوش بد حال را به حال خود درها کند دبیر کل سازمان ملل هم نمی تواند از وظیفه اصلی خود دست شوید. وظیفه دبیر کل به کارگیری همه وسایل موجود در دسترسش - اعم از وسایل سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی یا بشر دوستانه - برای کمک به مردمان و حکومت های عضو سازمان ملل به منظور دستیابی به هدفی است که در بند اول منشور ملل متحد جلوه گری می کند: در امان نگه داشتن نسل های آینده از بلای جنگ.

یادداشت ها

1. Choose Peace: A Dialogue between Johan Galtung and Daisaku Ikeda (London: Pluto Press, 1995).
2. B. Boutros - Ghali, An Agenda for Peace, June 17, 1992 UN Document A/47277- S/ 24111.

زمینه های اقتصادی و اجتماعی هم آن اندازه تجربه داشته باشد که پزشکان متخصص در این زمینه ها برایش اعتبار قائل باشند.

سومین نقش دبیر کل، زیر نظر داشتن تأثیر سیاسی اقدامات صلح سازی مورد توافق است تا بدین ترتیب بتواند بگوید که بیماران یا طرفین تعارض بالقوه تا چه حد به درمان تجویز شده واکنش خوب نشان داده اند و آیا در مان تجویز شده باید تعدیل شود یا - چنانچه خطر تعارض به اندازه کافی کاهش یافته باشد - متوقف گردد.

آشکار است که دبیر کل تا حد قابل ملاحظه ای به توصیه ها و راهنمایی های نماینده ویژه اش متکی خواهد بود اما این عرصه ای است که دیدار شخص دبیر کل با مقامات ارشدش از کشور یا منطقه مورد نظر و برقراری تماس مستقیم بارهبران آنها می تواند بسیار ارزشمند باشد.

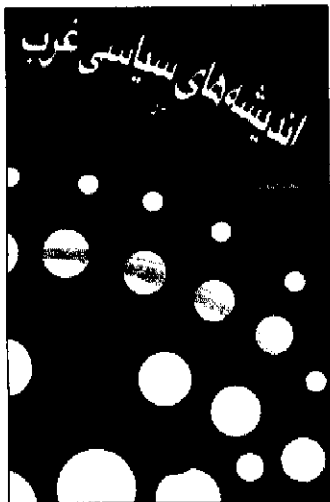
سخن پایانی

براستی پیشگیری بهتر از درمان است و دبیر خانه ملل متحد نیز اولویت بالایی برای بهبود بخشیدن به توانایی های پیشگیرانه سازمان ملل قائل است و این چیزی است که دولت های عضو به دلایل متقن سیاسی، بشر دوستانه و مالی خواستار آنند. اما نوشته حاضر گذشته از اینها باید نشان داده باشد که پیشگیری از بیماری تعارض و برخورد حتی از پیشگیری از بیماریهایی که جان و تن انسانها را رنجور می سازد دشوارتر است.

هیچگونه مایه کوبی یا واکسیناسیون تضمین شده ای وجود ندارد که جلوی آغاز درگیری ها و تعارضات را بگیرد و هیچ درمان معجزه آسایی برای پایان بخشیدن به درگیری هایی که به راه افتاده اند در دست نیست. بهترین راه پیشگیری برای منطقه یا کشور ذریعته پیروی از يك رژیم غذایی سالم و دقیق مشتمل بر گسترش مردم سالاری، حقوق بشر، توسعه برابری آفرین، تدابیر اعتمادزاه و احترام به حقوق بین الملل همراه با دست شستن از رویه های غیر سالمی چون ملت گرایی، کهنه پرستی، عوام فریبی، انباشت افراطی تسلیحات و رفتار تجاوز طلبانه است. بیشتر عناصر چنین رژیمی در منشور ملل متحد و مجموعه حقوق بین الملل آمده است.

دشواریهای پیشگیری در عرصه صلح و امنیت

○ توصیه های سازمان ملل
برای جلوگیری از بروز
تعارضات قریب الوقوع،
پیوسته مورد بی توجهی
طرف هایی قرار گرفته که
سازمان برایشان نسخه
پیچیده است و اگر بیماران
نیز توصیه های پزشکان
خود را چنین نادیده
می گرفتند بسیاری از این
پزشکان مدتها پیش با
نومیسیدی به فکر بازنشسته
کردن خود می افتادند.



اندیشه‌های سیاسی غرب در

قرن بیستم

دکتر ملک یحیی صلاحی

نشر قومس

بها ۱۳۰۰ تومان

جمعیت فدائیان اسلام

داود امینی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

بها ۲۲۰۰ تومان



چالش‌های ایران و آمریکا بعد از

انقلاب

حمید معیادی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

بها ۱۲۰۰ تومان



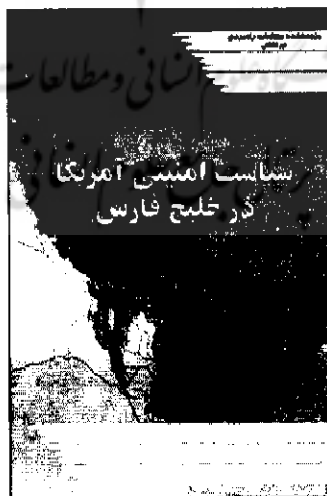
مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات

امنیت ملی

گردآوری و ترجمه اصغر افتخاری

پژوهشکده مطالعات راهبردی

بها ۲۹۰۰ تومان



سیاست امنیتی آمریکا در خلیج

فارس

امیر اسدیان

پژوهشکده مطالعات راهبردی

بها ۱۳۰۰ تومان

اصلاحات آمریکایی و قیام ۱۵

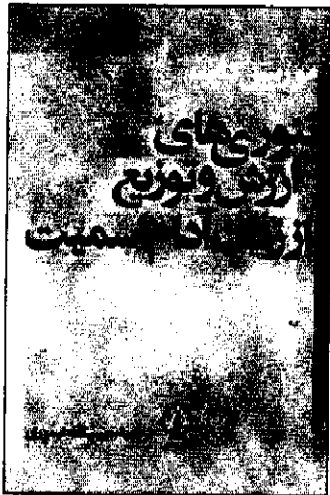
خرداد

عباس خلجی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

بها ۱۸۰۰ تومان





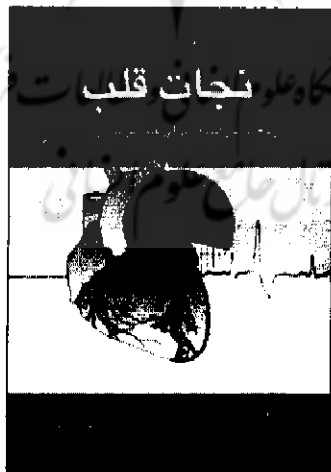
**تئوری‌های ارزش و توزیع از زمان
آدام اسمیت**
موريس داب
ترجمه حبيب الله تیموری
نشر نی
بها ۲۲۰۰ تومان

**خلاصه آمارهای پایه‌ای استانها
(۱۳۸۰)**
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
کشور
نشر مرکز آمار ایران
بها ۷۵۰ تومان

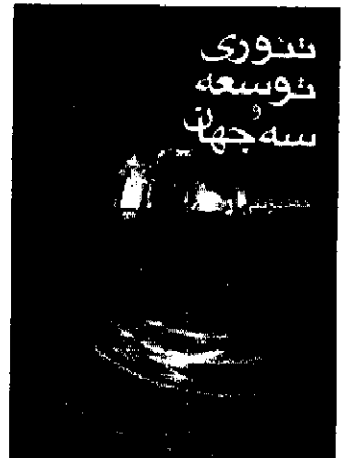


نور و آفاتومی انسانی

ایندر بیرسینگ
ترجمه دکتر پروین رستمی - محسن
هادی
انتشارات اطلاعات
بها ۳۰۰۰ تومان



نجات قلب
استن فن کلایدمن
ترجمه محمدحسین وفار
انتشارات اطلاعات
بها ۱۴۰۰ تومان



تئوری توسعه و سه جهان
بزرور هتته
ترجمه دکتر سید احمد مورتقی
نشر قومس
بها ۲۰۰۰ تومان

نقد و بررسی کتاب فرزانه
شماره اول - آذرماه ۸۱
نشر و پژوهش فرزانه روز
بها ۵۰۰ تومان

